

# با بچه‌های کار

- عنوان کتاب: می‌خواهی چه کاره شوی؟ نجار
- نویسنده: منصوره شوشتری
- تصویرگر: مجید خسرو انجم (مدیر هنری)
- ناشر: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، کتاب قلک
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۲
- شمارگان: ۱۰۰۰۰ نسخه
- تعداد صفحات: ۱۶ صفحه
- بها: ۲۷۰ تومان

○ روح‌الله مهدی‌پورعمرانی

خلاقیت‌های دانش‌آموزان را برآورده سازد، وجود ندارد. کتاب‌های «آموزش حرفه‌وفن» که در دوره سه ساله راهنمایی، برای دختران و پسران نوجوان نوشته شده، بیشتر از آن که «حرفه‌شناسی» باشد، «ابزارشناسی» است. تنها در سال‌های دبیرستان است که اگر کسی خواسته باشد در رشته و گروه فنی حرفه‌ای ادامه تحصیل بدهد، با بعضی از شغل‌ها مانند مکانیکی، جوشکاری، تراشکاری، نجاری، ساختمان‌سازی و ... آشنا می‌شود.

آیا فقط نوجوانانی که به رشته‌های «فنی حرفه‌ای» و «کار دانش» می‌روند، دوست دارند و می‌خواهند و باید، شغل‌ها را بشناسند و شناخت قبلی درباره آن شغل‌ها داشته باشند؟

در کارگاه‌ها هنوز شیوه «استاد - شاگردی» معمول است. این شیوه سنتی، حتی به نظام آموزشی ما هم نفوذ کرده و شیوه غالب «معلم محوری» را به ارمان آورده است. به بیانی دیگر، شیوه «معلم محوری»، نشأت گرفته از سنت «استاد - شاگردی» است که مستقیماً از جامعه و عرصه کار و صنعت، وارد دستگاه‌های آموزشی ما - اعم از مدارس و دانشگاه‌ها - شده است. اشکال دیگری از آموزش‌های عمومی و تخصصی نیز کمابیش در کشور ما دیده می‌شود.

چه کسی و چه دستگاهی باید شناخت کودکان و نوجوانان را درباره آموزش شغل‌ها و حرفه‌ها افزایش بدهد؟

سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای، وزارت کار و تأمین اجتماعی، آموزش و پرورش و سازمان رادیو و تلویزیون می‌توانند در اقدامی همگرایانه و هماهنگ، امر مهم شغل‌شناسی را پیش ببرند.

اخیراً یکی از مؤسسات غیردولتی که در زمینه فرهنگی و انتشاراتی فعالیت می‌کند، در باره شناخت شغل‌ها و حرفه‌ها، دست به کار جالبی زده است. این مؤسسه فرهنگی غیردولتی که «دفتر پژوهش‌های فرهنگی» نام دارد، در گروه کودک و نوجوان خود - به نام کتاب‌های قلک - کتاب‌های کم‌برگ و مفیدی چاپ کرده که هرکدام از این کتاب‌ها، درباره یکی از شغل‌های اجتماعی است.

در این نوشته کوتاه، می‌خواهم نگاهی به مجموعه کتاب‌های «می‌خواهی چه کاره بشوی»، بیندازم و سپس به پرسش‌های زیر پاسخ بدهم:

- ۱- آیا کودکان و نوجوانان، فقط شعر و داستان می‌خوانند؟
- ۲- نیازهای مطالعاتی کودکان و نوجوانان چیست؟
- ۳- چرا کودکان و نوجوانان دوست دارند کتاب بخوانند؟
- ۴- کتاب‌های مجموعه «می‌خواهی چه کاره بشوی؟»، در کدام طبقه بندی ادبیات کودک و نوجوان جا می‌گیرند؟

هنوز یادمانده است و هیچ وقت از یادم نخواهد رفت که در سال‌های پایانی دوران دبستان و سه ساله دوره راهنمایی، معلم‌ها و دبیرهای درس ادبیات فارسی و انشا، آن‌ها که درس انشا را به رسمیت می‌شناختند و برای آن هویتی مستقل و هم‌شان سایر درس‌ها قایل بودند - موضوع‌ها و سوژه‌های تکراری و کلیشه‌ای را برای نوشتن انشا، روی تخته سیاه کلاس می‌نوشتند. بعضی از این معلم‌ها و دبیران، حتی به خودشان زحمت نمی‌دادند تا چند کلمه‌ای راجع به نوشتن و چگونه نوشتن برای ما صحبت کنند. یادم می‌آید در سال اول راهنمایی (۱۳۵۲) معلم ادبیاتی داشتیم که - هرکجا هست، سلامت باشد - روش ساده‌ی انشا نوشتن را یادمان داد. او می‌گفت: برای نوشتن یک انشا، کافی است ابتدا درباره موضوع، چند سؤال مطرح کنیم. بعد از آن بکوشیم تا پاسخ‌های دقیق و منطقی برای آن سؤال‌ها بیابیم. سپس سؤال‌ها را حذف کنیم و پاسخ‌ها را با اندکی حذف و ویرایش، پشت سرهم بنویسیم. اگر در این کار، دقت کافی به خرج دهیم، یک انشای خوب و خواندنی خواهیم داشت.

معروف‌ترین موضوع‌های انشا، عبارت بودند از:

- (الف) علم بهتر است یا ثروت؟
  - (ب) بهار را توصیف کنید.
  - (ج) تابستان گذشته را چگونه گذرانده‌اید؟
  - (و) در آینده می‌خواهید چه کاره شوید؟
- در کتاب‌های درسی، اطلاعات چندانی که بتواند نیازهای ذهنی و

این مجموعه، یک عنوان کلی و اصلی دارد که عبارت است از:

«می‌خواهی چه کاره بشوی؟»

عناوین فرعی کتاب‌ها، مشاغل گوناگون است که بعضی از آن‌ها نو و بعضی‌ها نیز قدیمی به نظر می‌رسد. تاکنون ۱۲ عنوان از این کتاب‌ها چاپ و منتشر شده است:

۱. مترجم
۲. راهنمای تور
۳. بازیگر
۴. کاریکاتوربست
۵. گرافیکست
۶. طراح صنعتی
۷. مهندس مکانیک
۸. پرستار
۹. آتش نشان
۱۰. گل فروش
۱۱. نجار
۱۲. گچ کار

طراح این مجموعه کتاب‌ها، هر که باشد و با هر هدفی این پروژه انتشاراتی را راه انداخته باشد، در پشت جلد این کتاب‌ها، عبارتی چاپ شده که نشان‌دهنده ایده شکل‌گیری این مجموعه است. عبارت یاد شده، عیناً در پشت جلد همه کتاب‌ها تکرار شده است:

شاگردی شکایت کرد که نمی‌تواند کار مفیدی برای خود بیابد. استادگفت: «این اندیشه مخرب را از ذهنت دور کن! تو به عنوان بخشی از جهان، جایی اساسی در آن داری. جهان را به شدت برای یافتن کار خود به لرزه درآور! امیدت را از دست نده! موفق خواهی شد.»

تعالیم معنوی، اثر یوگاناندا)  
برای نزدیک شدن به فضا و محتوای این کتاب‌ها و شیوه نگارشی آن‌ها، به سراغ یکی از این کتاب‌ها می‌رویم و آن را ورق می‌زنیم:

کتاب، با تصویر روی جلد آغاز می‌شود که جنبه‌ای کاریکاتوری دارد؛ نوجوانی، دستش را بالا برده و مشت خود را باز کرده است. هر انگشت وی، نماد و نشانه یکی از ابزارهای درودگری (نجاری) است. شست به شکل چکش، انگشت اشاره به شکل تیغه یک اره. انگشت میانی به شکل خط کش مدرج. دو انگشت بعدی به شکل سوهان، تصویر شده است. این رویکرد به شکل‌های گوناگون و متناسب با موضوع و متن، در دیگر کتاب‌ها نیز تکرار می‌شود. یک ضرب‌المثل، در فرضیه تکامل می‌گوید: «دست‌ها ابزارها را ساختند و ابزارها انسان‌ها را». کتاب‌ها، «فهرست مندرجات» ندارند. بنابراین، خواننده یگراست وارد دنیای متن (نوشته‌ها و تصویرها) می‌شود.

در صفحه سوم هر کتاب (و از جمله در این کتاب)، مقدمه کوتاهی برحسب موضوع، آمده که در حقیقت یک نوع «جستارگشایی» و «ورودیه به بحث» تلقی می‌شود. مقدمه این کتاب (نجار)، رویکردی شاعرانه و جنبه‌ای تغزلی دارد:

وقتی روی یک صندلی چوبی نشسته‌ای، شاید روی شاخه‌های درختی کهن سال نشسته باشی. شاید چلچله‌ها روی همین شاخه آواز خوانده باشند. کسی چه می‌داند، شاید یک کبوتر روی همین شاخه به جوجه‌هایش پرواز کردن آموخته باشد. اما امروز چلچله‌ها و کبوترها روی شاخه نهال جوانی نشسته‌اند و تنه آن درخت پیر، راهی منزل تو شده است. تبدیل شاخسار یا تنه درختی به صندلی یا دیگر محصولات چوبی، نتیجه کار نجار است. با خواندن این کتاب، می‌توانی با نجار بیشتر آشنا شوی.<sup>۱</sup>

مقدمه را می‌خوانی، متن‌هایی به یادت می‌آید. شاید یکی از متن‌های تداعی شده پس از خواندن این مقدمه شعرگونه، این شعر باشد:

کاش من هم درختی بودم

. سربلند و پرشاخ

و ماه

هر شب در دست‌هایم می‌آسود

میوه‌ای اگر نداشتم

دل من

به دست تنگم خوش بود

من همین قدر که «دار» می‌نشدم،

خرسندم

من همین قدر که تابوت نیستم،

دلشادم

ماه دیشب می‌گفت:

تو چه زود پیرشدی!

برگ‌هایت درباد

شاخ‌هایت خشکید

گرچه در هر نفسم

اره جان می‌گیرد

آرزویم این است

که مدادی باشم...

بعد از مقدمه کوتاه، متن اصلی شروع می‌شود. این بخش از کتاب (ها)، ۱۲ صفحه را در برمی‌گیرد. هر صفحه، یک عنوان دارد که با لحنی سؤالی همراه است. این خط پرسش‌گری در همه کتاب‌ها، برحسب موضوع، دنبال و تکرار شده است. فقط «مقدمه» صفحه ۳ و «تاریخچه» صفحه ۱۶، حالت سؤالی ندارد.

تمامی سؤال‌ها در تمامی کتاب‌ها، یکسان است و روال ثابتی دارد. سؤال‌ها همان قدر مهم‌اند که پاسخ‌ها. گویا طراحان و نویسندگان این کتاب‌ها، کلاس‌های معلم دوران راهنمایی مرا درک کرده‌اند که می‌گفت برای نوشتن انشا باید چند سؤال در باره موضوع، طرح کرد و کوشید تا پاسخ‌های مناسبی برای سؤال‌ها یافت.

متن کتاب به صورت «پرسش و پاسخ» شکل گرفته است. برای اندازه‌گیری ارزش سؤال‌ها و پاسخ‌ها، نگاهی گذرا به آن‌ها می‌اندازیم:

سؤال اول: نجار کیست و چه کار می‌کند؟

نویسنده در پاسخ می‌نویسد: «نجار می‌تواند با استفاده از چوب، ابزارهای گوناگون بسازد. او ابتدا طرح شیئی مورد نظر را روی کاغذ می‌کشد و بعد از طراحی و محاسبات، ساختن آن وسیله را آغاز می‌کند.»

نویسنده، سپس شغل نجاری را به دو شاخه «در و پنجره‌سازی» و «فرنگی‌سازی» تقسیم می‌کند و انواع فرآورده‌های این دو شاخه را برمی‌شمارد.

سؤال دوم: نجار از چه وسایلی استفاده می‌کند؟

پاسخ به این پرسش، جامع‌تر و طولانی‌تر است. تصویرگر به کمک نویسنده می‌آید و شکل‌هایی از ابزارها و مواد مورد استفاده نجار را رسم می‌کند.

بقیه سؤال‌ها به این شرح است:

. نجار چه اطلاعاتی باید داشته باشد؟

. نجار چه توانایی‌هایی باید داشته باشد؟

. نجار چگونه می‌تواند در شغلش پیشرفت کند؟

. نجار با چه شغل‌های دیگری در ارتباط است؟

. به نجار چه نیازی داریم؟

. برای نجار شدن، از حالا چه باید بکنیم؟

. نجاری را کجا یاد بگیریم؟

. نجاری چه ویژگی‌هایی دارد؟

و در پایان، «تاریخچه» آورده شده که پیشینه نجاری را بیان می‌کند:

از آن جایی که چوب در زندگی انسان، نقش مهمی داشته است، نجاری در شکل‌های اولیه آن، پدیده نویی به حساب نمی‌آید.

از اولین روزی که بشر چوب را تغییر شکل داد، بیش از ۱۰۰۰۰ سال می‌گذرد. این تقریباً آغاز عصر نوسنگی است. انسان‌های اولیه برای حمل اشیای سنگین، از کنده‌های درخت به عنوان غلتک استفاده می‌کردند. آن‌ها با شاخه‌های درختان برای خود، پناه‌گاه می‌ساختند و با نیزه‌های چوبی به شکار می‌رفتند. ساختن همین وسیله‌ها و به کارگیری آن‌ها نیز در شکل اولیه خود، نوعی نجاری به حساب می‌آید.

آثاری هستند که نشان می‌دهند از چوب به شکل پیچیده‌تری نیز استفاده می‌شده است. سابقه پایه‌های چوبی مربوط به خانه‌های شناور در آب، به عصر نوسنگی و کهن سنگی می‌رسد. این خانه‌ها هنوز هم در منطقه اقیانوسیه ساخته می‌شوند.

در این سال‌ها، بعضی از استادان و نویسندگان درسنامه‌های دانشگاهی، گاهی در بیان پیشینه برخی از دانش‌ها، زمان را آن قدر به عقب می‌برند که خواننده و فراگیر، ناگزیر می‌شود آن دانش یا رفتار یا پیشه را به آدم ابوالبشر و همسرش حوا منتسب کند! ولی نویسندگان این مجموعه شغل‌شناسی، روال تکراری را برهم زده، پیشینه شغل‌ها را در مقدمه کتاب‌ها نیاورده، بلکه آن را در صفحه پایانی جا داده‌اند. با این کار، خواننده نوجوان با خواندن متن کتاب، دیدی تاریخی به موضوع و شغل پیدا می‌کند و آن‌گاه با این دیدگاه، به متن کوتاه تاریخچه می‌رسد. ویژگی‌های مثبت دیگر این کتاب‌ها، عبارتند از:

۱. کوتاه بودن نوشته‌ها
۲. ساده بودن زبان به کار رفته در متن
۳. قابل لمس بودن مثال‌ها و نمونه‌ها
۴. کوتاه بودن جمله‌ها.

این کتاب‌ها، جنبه داستانی ندارند، ولی آن‌ها را می‌توان در حوزه ادبیات نوجوانان، طبقه‌بندی کرد.

کودکان، زمانی که تازه خواندن کتاب را یادگرفته‌اند، بیش از هر زمان دیگری میل به روخوانی دارند. در این سال‌های اشتیاق، پدران و مادران و مربیان و آموزگاران (همه عوامل مرتبط با دستگاه‌های رسمی و غیررسمی آموزش عمومی)، می‌بایستی نیازهای کودک را در زمینه متن‌های خواندنی برآورده کنند. در دوران نوجوانی که توانایی خواندن افزایش می‌یابد، مربیان و... می‌بایستی در کنار متن‌ها و درسنامه‌های کلاسی، شعر و داستان و هم‌چنین، خواندنی‌های مفید و آگاهی‌بخش را برای نوجوانان آماده سازند تا نوجوانان، این خواندنی‌ها را بخوانند. در فرایند خواندن متن‌های خواندنی (اعم از شعر، داستان و...) هم سرگرم می‌شوند و هم آموزش‌های لازم و تکمیلی راجع به مهارت‌های زندگی را دریافت می‌کنند.

خواندن یکسویه شعر و داستان، نوجوانان را یک بعدی، خیال ورز و شکننده بار می‌آورد. به ویژه آن که در سده‌های اخیر، طرح تقسیم‌بندی علوم و تخصصی شدن رشته‌ها و دانش‌ها، سبب پراکندگی مهارت‌ها شده است. در سده‌های گذشته، یک نفر با خواندن یک متن، بخش‌هایی از فلسفه، منطق، تاریخ، ادبیات و... را فرا می‌گرفت و با این روند مطالعاتی، به جامعیت ذهنی و فکری دست پیدا می‌کرد. در حالی که با جدایی علوم از یکدیگر و شاخه شاخه شدن دانش‌های نظری، به متن‌های متنوع و چندجانبه، نیاز بیشتری احساس می‌شود. مهم‌تر از همه، به دست آوردن مهارت‌های زیستی و رفتار اجتماعی است که هیچ پدر و مادر و آموزگاری، نباید و نمی‌تواند (حق ندارد) دست روی دست بگذارد تا در اثر گذشت زمان و از راه تجربه، عاید نوجوانان و حتی جوانان شود. برای کوتاه سازی زمان فراگیری مهارت‌های زندگانی، باید و می‌توان در قالب خواندنی‌ها و متن‌های علمی و اجتماعی و حتی متن‌هایی مانند همین کتاب‌های «می‌خواهی چه کاره بشوی»، به تغذیه فکری نوجوانان همت گماشت.

اگر بپذیریم که دانستن، حق همه است و کودکان و نوجوانان را زیر

مجموعه «همه» به شمار آوریم و از سوی دیگر، آموختن و درس خواندن و بازی را حق و شغل کودکان و نوجوانان بدانیم، شناخت علمی شغل‌ها، در این راستا معنا پیدا می‌کند. شغل‌شناسی و شغل‌یابی، نباید به منزله هدایت ذهن‌ها به سوی مشروعبیت کار کودکان و نوجوانان باشد. در متون حقوق بین‌الملل و از جمله کنوانسیون‌های کار، از کارکردن و به کارگرفتن کودکان و نوجوانان، جلوگیری شده است. با وجود این، به هیچ وجه نمی‌توان و نباید کودکان و نوجوانان را از شغل‌شناسی منع کرد.

بچه‌ها باید «کار» و «شغل» را بشناسند. این خودش «کار» بزرگی است. آیا در «هفته مشاغل»، مشاوران و مربیان هدایت تحصیلی، دانش‌آموزان را آن گونه که بایسته و شایسته است، راهنمایی می‌کنند؟ آیا رسانه فراگیر رادیو و تلویزیون که آموزش‌های عمومی نیز یکی از وظایف آن به شمار می‌آید، در این زمینه، تلاش می‌کند؟ نقش خانواده، در سمت دهی علاقه بچه‌ها، به انتخاب شغل مفید اجتماعی، در آینده فرزندان چیست؟

علاقه نوجوانان به شغل‌یابی و انواع آن، چگونه بررسی و اندازه‌گیری می‌شود؟ آیا با وضعیت کنونی بازار کار و توان جذب، چیزی به نام حق انتخاب شغل باقی می‌ماند؟

صدها پرسش ریز و درشت دیگر در این زمینه، متصور است که شاید در این نوشتار، موضوعیت نداشته باشد.

سری کتاب‌های «می‌خواهی چه کاره بشوی؟»، خواندنی‌های خوب و مفیدی برای کودکان و نوجوانان است. جنبه‌های آموزشی این کتاب‌ها بر جنبه‌های دیگر آن برتری دارد.

جای خالی این خواندنی‌ها، در میان خانواده‌ها و تشنگی ذهن کودکان و نوجوانان در زمینه شغل‌شناسی، به اندازه‌ای است که علی‌رغم تکراری بودن متن کتاب‌ها و همانندی پرسش‌های مطرح شده در همه این کتاب‌ها، به تعداد و گستردگی شغل‌های مفید اجتماعی، امکان افزایش و تنوع عناوین این کتاب‌ها وجود دارد.

این گونه به نظر می‌رسد که طراحان و نویسندگان این کتاب‌ها، به آینده‌ای خالی از بی‌کاری می‌اندیشند. ما نیز به همراه خیل عظیم امیدواران به آینده، برای کودکان و نوجوانان امروز که مردان فردای این سرزمین هستند، آرزوی بهروزی می‌کنیم.

نکته دیگری که نباید ناگفته بماند، نقد و بررسی متن‌های این حوزه است. در بسیاری از نشریات و مجلات تخصصی اطلاع‌رسانی و نقد کتاب‌های کودک و نوجوان، منحصراً و بیش از هر چیزی، به نقد و بررسی کتاب‌های شعر و داستان پرداخت شده است. با آن که هنوز نقدهای شعر و داستان، به روشمندی مطلوب نرسیده‌اند و بیشتر جنبه معرفی و تعبیر دارند، ولی همین تلاش اندک (و ارزشمند)، اگر به حوزه کتاب‌های غیر داستانی و خواندنی‌های مفید دیگر تسری داده شود، کتابخوانی و نقد را از حالت یکسونگرانه نجات خواهد داد.

پس بگذارید برای اولین بار هم که شده، شعار بدهیم: پیش به سوی تولید متن‌های خواندنی برای کودکان و نوجوانان!

- پیش به سوی خواندن کتاب‌های علمی و آموزشی در کنار کتاب‌های شعر و داستان!

- پیش به سوی نقد و بررسی این کتاب‌ها!

- کودکان و نوجوانان! به خواندن کتاب‌های حرفه‌شناسی مجهز شوید!

- درود بر دست‌های کوچک و فکرهای بزرگ نوجوانان!

- نوجوانان جهان، تا می‌توانید، کاری (شغلی) بیاموزید!

همین؛

پی نوشت:

۱. می‌خواهی چه کاره بشوی؟ منصوره شوشتری، کتاب‌های قلک، نوبت چاپ اول

۱۳۸۲، صفحه ۳.